

سندی برای دموکراسی یا سندی برای سازش؟!

با تشدید بحران همه جانبه حکومت اسلامی و بویژه افزایش بیسابقه نارضایتی و اعتراضات مردمی و با توجه به چشم انداز تحریم نمایش انتخاباتی رژیم ، و درغیاب وجود یک آلترناتیو قدرتمند مردمی ، دموکراتیک و رزمنده ، شاهد تحرکاتی ازسوی شماری از گرایشات گوناگون اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون برای پرکردن خلأ کنونی هستیم . بیانیه 565 نفره را باید آخرین نمونه از این دست تلاشها ، بشمار آورد که ازسوی طیف ها و گرایشات گوناگونی که خود را جزو اپوزیسیون رژیم هم می دانند ، با استقبال زیادی مواجه شده و با استعاراتی هم چون " نقطه عطف تاریخی " ، " اقدام جسورانه " و " یک سند تاریخی برای دموکراسی " مورد ستایش قرار گرفته است . اما آیا برآستی بیانیه مزبور حامل حداقل های دموکراتیک است یا تلاشی است برای سازش با حاکمیت؟ نگاهی به مضمون این بیانیه میتواند پاسخ روشنی به سؤال فوق بدهد :

الف - تا آنجائی که به طرح حداقل های دموکراتیک در جامعه ما برمیگردد، در این بیانیه نه به ضرورت جدائی دین از دولت بعنوان یکی از مهمترین مطالبات بنیادی اشاره شده ، و نه با وجود شکوه از تهدیداتی که بدلیل سیاست های دشمن آفرین جمهوری اسلامی بوجود آمده ، از مخالفت صریح با هرگونه مداخله خارجی و محکوم کردن آن سخنی به میان آمده ، و نه حتی دفاع قاطعی از "جمهوری" به مثابه شکل نظام آجایگزین، در برابر حاکمیت کنونی و در مخالفت با سلطنت بعمل آمده است.

علاوه بر این ها ، علیرغم اذعان به وجود فقر و فلاکت فراگیر و ابعاد بحرانهای اقتصادی و اجتماعی، در آن هیچ نشانی از طرح مطالبات اقتصادی و اجتماعی طبقات و اقشار اجتماعی مهمی همچون مزد و حقوق بگیران ، دفاع از برابری جنسی و مقابله با آپارتاید جنسی، حمایت از حقوق ملت های تحت ستم و علیه ستم مضاعفی که بر آنان روا میشود، دیده نمیشود. بنابراین تا آنجا که به اولیه ترین و پایه ای ترین حقوق دموکراتیک مردم برمیگردد، در این "سند تاریخی" نشانه ای از آنها نمی توان یافت.

ب- علاوه بر آن، عبارات بیابنه با فرمول های دو پهلوی و چند منظوره ای تنظیم شده است :
- مخاطب و طرف اصلی این بیانیه ، حاکمیت انحصاری و انتقاد به انحصار قدرت ازسوی آنان است و نه کل نظام حاکم . تأکید بیابنه بر تغییر و تحول در باصطلاح " ساختار قدرت " است و نه در "ساختار حقوقی" که با عبارت کشدار عدم سوءاستفاده غیرمردمی از قانون اساسی همراه شده است. بنابراین بجای نفی رژیم در تمامیت خود، یعنی هم ساختار حقوقی و هم همه ساختار قدرت، آماج بیانیه ضرورت تغییر تدریجی ساختار قدرت است.

- در بخش دیگری از بیانیه می خوانیم که " گردن نهادن به اراده ملی " و طراحی ساختاری دیگر "راه کار حتمی و نهائی" است. در این عبارت کشدار راه کار نهائی متضمن در نظر گرفتن ایستگاه های وسط راه (مثلا مبارزه برای حذف نظارت استصوابی و یا شرکت در انتخابات) است . و از قضا بعنوان بخشی از این پروژه از همین حالا شاهد تدارک برای شرکت باصطلاح مشروط در انتخابات ریاست جمهوری نهم توسط نهضت آزادی که افراد وابسته و یا نزدیک به آن خود از طراحان و امضاء کنندگان اصلی این بیانیه بشمار می روند، هستیم.

علاوه بر این بعنوان "راه کار"، از رژیم اسلامی طلب می کند که " به اراده مردم گردن نهاده" و طناب دار را بطور داوطلبانه به گردن خود بیافکند. کاری که در طول تاریخ بشرحتی یک مورد از آن

را در مورد حکومت های استبدادی نمی توان سراغ گرفت که داوطلبانه سکان قدرت را رها کنند. از این رو تصادفی نیست که مردم و جنبش های اجتماعی- سیاسی متعلق به آنها، غایب بزرگ این بیانیه هستند.

باین ترتیب نگاه بیانیه به بالایی به قدرت های داخل و حتی به نحوی به خارج معطوف بوده و برپایه اصل کمترین تکان و " نگاه به همه سو " تنظیم شده است و هیچ نشانه ای حتی از مطالبات حداقل و پایه ای دمکراتیک در آن نیست. از اینرو شاید بتوان آنرا یک "سند تاریخی" برای بند و بست با حاکمیت ، آنهم برای روزمبادائی که جمهوری اسلامی ناچار گردد با مخالفین " قابل تحمل خود" به داد و ستد بنشیند نامید ، اما با هیچ طرفندی و هیچ منبت کاری نمی توان آنرا " سند دمکراسی" نامید. اینکه نطه های مختلف "جمهوری خواهی" علیرغم برخی ادعاهایشان در مبارزه علیه استبداد حاکم در یک نقطه به هم میرسند و یا دقیق تر آنکه بگوئیم حول سازش کارترین بخش "مدعی جمهوری خواهی" بهم میرسند (بخشی که نه از حکومت مذهبی دل کنده و نه از کل نظام حقوقی- سیاسی موجود) گرچه تأسف انگیز است اما چندان غیرمنتظره نبوده و نیست. چرا که طیف های گوناگون بورژوازی و فعالین و روشنفکران متعلق به آن در شرایطی که عمق مطالبات مردم ار چهارچوب مقرر و مورد نظر آنها فراتر می رود، باعزیمت از " اصل کمترین تکان" آمادگی آن را دارند که پرچم ادعائی دمکراسی سیاسی، را بر زمین افکنده و از شعار "دمکراسی" تنها برای تهی کردن آن سود جویند. شعار های نان ، آزادی ، برابری در میان دانشجویان به مثابه گفتمان متفاوتی از گفتمان فوق و وجود جنبشهای اجتماعی گوناگون (بویژه جنبش کارگری ، جنبش زنان و جنبش اقلیتهای تحت ستم)، بستر مناسبی برای مدافعان راستین دمکراسی برای شکل دادن به یک راهکار دمکراتیک ، رزمنده، رهائی بخش و متکی بر خود مردم زحمتکش فراهم می نماید.

برای بالیدن و نیرومندتر شدن این گفتمان ، تمام توان خویش را بکارگیریم .

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

12 مارس 2005 - 22 اسفند 1383